



ساختار مدیریت توزیع نیرو، از دیدگاه دامنه‌ای همواره در حال تغییر و ارتباط آن با توسعه اقتصادی

مجید کبروی

شرکت برق منطقه‌ای خراسان

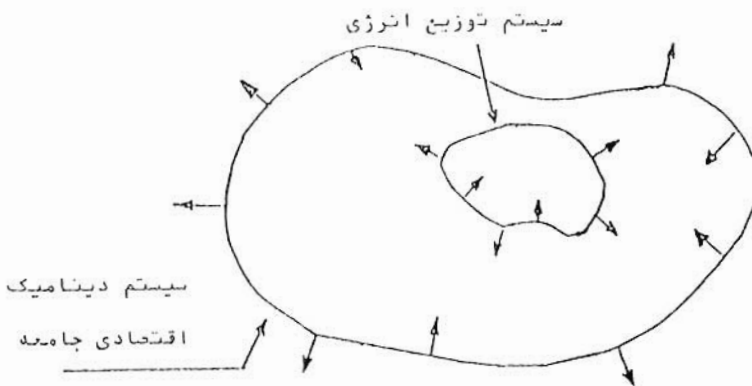
چکیده:

دامنه پراکنده برق‌رسانی در هر منطقه تقسیم شده وزارت نیرو در کشور اسلامی بدلیل پهناوری خاک، پراکندگی خاک، پراکندگی ازدحام کاملاً ناهمگون جمعیت اختلاف عمده نوع، مقدار و شکل مصارف مدیریت پیچیده‌ای را برای توزیع نیرو فراهم آورده است. در این مقاله به مدیریت توزیع از یک طرف بعنوان تنها نقطه تلاقی محصول تولیدی مجموعه عظیم و پرتحرک و پرارزش تولید و انتقال انرژی با مصرف‌کننده و از طرفی بعنوان تنها باجه بازگشت درآمدهای این مقوله بسیار پرهزینه و استراتژیک و تنها پل تغذیه‌کننده سیستم حیاتی انرژی بررسی و طراحی پیشنهاد شده است، در این طرح ساختار مدیریت طبقه‌بندی از پایین به بالا به ترتیب خدماتی تافنی و علمی تقسیم شده و انتقال سیستم به بازار آزاد خصوصی پله‌ای از سطوح پایین انجام می‌شود.

در این مقاله به کلمه توزیع و مدیریت توزیع اصلاً به گونه‌ای که بینش محدود و فیزیکی اداری ما از توزیع است نگاه نمی‌شود، از این دید توزیع عبارت است از نصب تیر،سیم‌کشی، نصب ترانسفورماتور هوایی، احداث پست زمینی، حفاظت‌های خطوط و ترانس، تنظیم ولتاژ مشترکین، شماره‌برداری از کنترها، کنترل فروش، ایجاد فرهنگ مصرف بهینه و... اما دید ما آنچنان است که توزیع جایی دارد مثل نفت، هم‌چنان که نفت در فضای اقتصادی جهان به معنای یک ماده بدبوی یافت شده در ۳ هزار متر زیر زمین و قابل استخراج و باشتیاقات فراوان، به طرح در نمی‌آید، بلکه کلام نفت در اقتصاد یعنی انرژی جهانی و بازی بانفت یعنی بازی با سروری اقتصاد جهان.

ما هم به توزیع به عنوان بخشی مهم که رابط نفت و یا انرژی‌های نهفته دیگر است با مصرف و یا به عبارتی به عنوان بخش قابل ملاحظه‌ای از زنجیره ارتباط انرژی جامعه مطرح می‌گیریم، یعنی از بعدی کاملاً اقتصادی و کاملاً بنیادی در شکل‌دادن به اقتصاد جامعه مطرح است، وقتی اقتصاد جامعه مورد نظر است میزان رفاه و دست‌یابی به حرکت و دست‌یابی به ارزش افزوده و دست‌یابی به رشد در آن نهفته است. حال که مدیریت توزیع را بخشی از اقتصاد در نظر می‌گیریم، بحث جدیدی پیش می‌آید و آن این است که سیستم اقتصادی خود سیستم دینامیک و پویاست، سیستم استاتیک در مقابل اینگونه سیستم‌ها عبارتست از مجموعه‌ای که در درون خود حرکت دارد و به بیرون از سیستم ارتباط پویا و همیشگی پیدا نمی‌کند تنها از مجرای یک ورودی و یک خروجی به سیستم‌های مجاور متصل است، لیکن سیستم پویا یا دینامیک سیستمی است که دائم در حال تعادل با عالم بیرون از خویش است و اجباراً به بیرون از خود اثر می‌دهد و از بیرون خود نیز تأثیر پذیر است.

مدیریت توزیع یک سیستم باز یا یک سیستم دینامیک جامعه است و بدلیل مرتبط بودن با سیستم دینامیک اقتصاد سیستم تأثیر پذیر از بیرون و تأثیر گذار بر ماورای خود است که اجباراً چهره‌ای جهانی به خود می‌گیرد، یعنی از دید جهان وضعیت توزیع انرژی، میزان پویایی و پایدانی، حرکات و رشد و یا توقف آن برای جامعه مطرح است و اقتصاد جامعه‌ای نمی‌تواند در حال پیشرفت باشد در صورتیکه مدیریت توزیع و وضعیت توزیع انرژی آن همپای اقتصاد حرکت نداشته باشد و یا بدون رشد کیفی توزیع نمی‌توان برای اقتصاد جامعه وضعیتی سالم و پویا پیش‌بینی نمود.

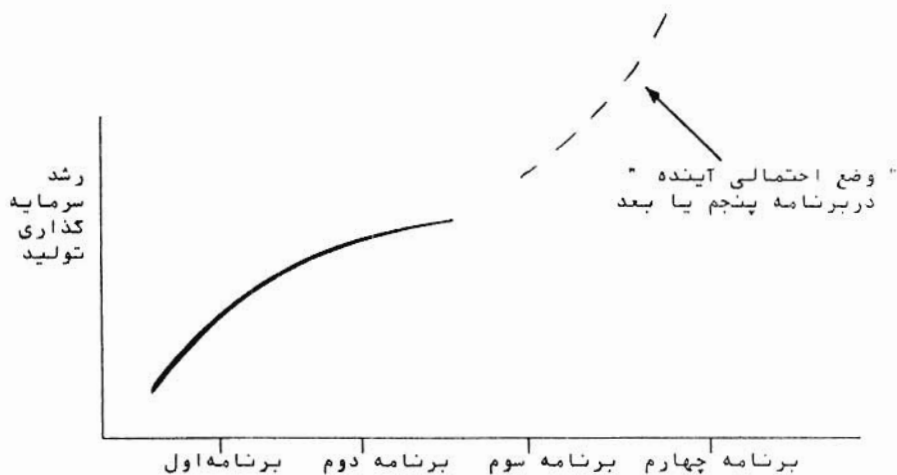


باردیگر یادآوری می‌شود آنچه در اقسام کارهای توزیع مطرح می‌شود در این گونه بحث به عنوان تعاریف رفتاری و عملیاتی این سیستم است که در این مقاله مابا آن کاری نیست در حقیقت از دید این مقاله ، عملیات فنی و اداری توزیع جزء و اجزاء فرعی و در مقوله تشریح داخلی سیستم خواهد بود.

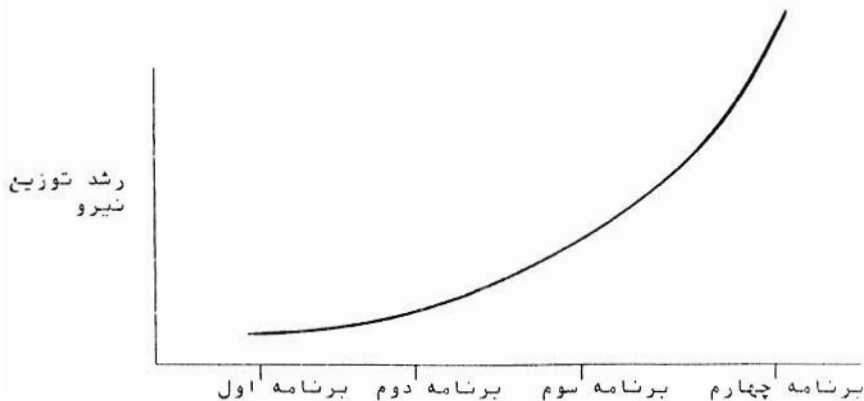
شناسه دینامیسم توزیع نیرو و ارتباط آن با برنامه‌های توسعه :

توزیع و تولید نیرو و در خلال برنامه‌های توسعه بدو گونه پیش‌بینی می‌گردد.
اول تولید: طی برنامه‌های اقتصادی ۵ ساله معمولاً "در شرایط فعلی کشور ما با شتاب می‌رود، همچنان که در برنامه اول و دوم سرمایه‌گذاری تولید به بهره رسیدن آن سالانه رشد فوق‌العاده زیدی داشته است (بعضاً بالای ۳۰٪) بوده است. پیش‌بینی می‌گردد، در طی برنامه‌های دوم و نیز برنامه سوم با زهم مسیر صعودی را طی نماید ولی نهایتاً "انشاء... در برنامه چهارم و با برنامه‌های بعد از آن که نظام جمهوری اسلامی خواهد توانست از ثبات اقتصادی و اجتماعی بیشتری که زائیده هدف‌گذاری‌های برنامه‌های جاری است، برخوردار باشد و زمان برنامه‌ریزی را از ۵ سال به ۷ یا ۱۰ سال افزایش دهد، سرمایه‌گذاری جدید تولید تا مدتی امکان توقف خواهد داشت یا به عبارتی دیگر شمای تولید در برنامه

چهارم بخاطر شتاب ضروری اولیه و توفیقات فوق تصویری که وزارت نیرو در خلال برنامه اول و دوم داشته است به شکل زیر خواهد بود.



در صورتیکه در توزیع دینامیسم متفاوتی وجود دارد تغییرات بشکل زیر است:



زیرا:

اولاً: سرمایه گذاری در توزیع به هیچ وجه به اندازه سرمایه گذاری تولید زمان برونستای سرمایه بر نیست.

ثانیاً: آنگاه که سرمایه گذاری تولید به تکامل برسد، رشد شتابان توزیع شروع خواهد شد.

نارسائی بخش دولتی بازاری ملی کارآمد در بخش خصوصی :

از دید تکاپوی اقتصادی جامعه، به اثبات رسیده است که دولت هادر زمینه دینتامیسم پویا هرگز به پای بخش خصوصی نرسیده اند. آینده کشور اسلامی ما این گونه پیش بینی می شود که بخش تولید و انتقال بدلیل طبیعت سرمایه بری سنگین و زمان بری و نتیجتاً "دیربازدهی مالی، کماکان در چهارچوب دولت باقی بماند ولی بخش توزیع حتماً باید از حالت شبه خصوصی کنونی به وضعیت کاملاً "پراکنده به بازار رقابتی و پرتکاپوی و فعال شرکت های خصوصی هدایت شود و دولت ضمن اداره بخش عظیم تولید و سرمایه گذاری آن و انتقال، فقط و فقط با شرکت های رقیب بخشی خصوصی در فروش نهائی و بازپس گیری و جوه انرژی مصرفی یا صنایع، طرف باشد.

دلیل دیگر ضرورت امر از نظر هزینه بری دولتی است، تقریباً "آمار نشان می دهد که در جهان مترقی هرگاه بار و حجم مکانیسم عملی یک صنعت در بخش دولت دو برابر شده است هزینه هابه بین $1/4$ تا $2/1$ برابر فزونی یافته است که $1/4$ مربوط به زاپن و $2/1$ مربوط به رومانی است و بقیه کشورها در دامنه ای در این بین قرار دارند. در کشور ما در این مورد نسبت نگران کننده ای حاصل شده است که حدود $2/15$ بین سالهای ۵۵ تا ۶۵ است و این حاکی از روحیه دیوان سالاری ما ایرانیان در بخش دولتی است. گرچه خوشبختانه دولت در برنامه دوم و ابتدای برنامه سوم به کنترل تجملات اداری و هزینه های اضافی تشریفات پرداخته و عملاً "به حذف آن نظر فعال خواهد شد، در عین حال ترک یک سنت گسترده اجتماعی که خودخواهی ها و آرزویابی های مدیریت ها و گاه "ارزشیابی کارائی راتحت الشعاع قرار داده و یا بعضاً "جای بالندگی های معنوی کاری را گرفته است، به سادگی قابل رفع نیست.

بیماری اجتماعی یا نابسامانی در بینش ها خیلی سریع شیوع پیدا می کند و خیلی زود هم جاگیر می شود لیکن درمان و دفع آن سریع الحصول نیست.

ارقام فوق در همان کشورها برای بخش خصوصی بجای $1/4$ تا $2/1$ اعداد بین $1/06$ تا $1/46$ بوده است و مواردی رسمی در بخش خصوصی کشور ما حداقل بدست نگارنده مقاله نیامد ولی اعدادی غیر رسمی از شهرک صنعتی البرز نشانگر ارقامی در حد $1/1$ تا $1/6$ است که خود نشانگر پویایی و توفیق بخش خصوصی و مشارکت مردم در صحنه اقتصادی و روند گسترش صنعتی ایران در میدان سازندگی بعد از جنگ است که این توان را باید پاس داشته و بآبهره وری بیشتر احیاء نمود و روی آن حساب کرد.

آینده دولتی را توانمند خواهد خواند که ملتی توانا برای اداره بسیاری از صنایع پرورش داده

باشد و یا اجرای وسیع خصوصی سازی اداره امور رابه مدیریت مردم و نظارت رابرای حفظ تعادل و عدالت اجتماعی، خود بر عهده گرفته باشد.

گرچه عدم وجود بازارهای مالی کارآمد اریه نامطلوب حاکمیت های گذشته مملکت مابوده است و بخش خصوصی غالباً "با قدرت های سیاسی، برنده بازاریابی روز بوده است، لذا بخش خصوصی در کشور، تمرین کافی برای بدست گرفتن کامل بازارهای حساس و پیر در سراندارد و عادت بر این کرده است که دنبال بازارهای تامین یافته از حیث سودآوری برود، توانمندی اخیر بخش خصوصی برای وام گذاری مسئولیت توزیع نیرو جایگاه و بستر مناسبی است که راهکاری گام به گام برای آن به پیشنهاد آمده است.

ابعاد رشد و توسعه اقتصادی :

ابعادی که در سنجش رشد به لحاظ می آید و عموماً "عنوان ارزش افزوده را دارد ابعاد کمی و سطحی هستند، ابعادی نهان از دید اقتصاد در تغییرات و دگرگونی بافت جامعه وجود دارد که بدلیل کمی نبودن وارد GNP نمی شوند ولی اقدام کیفی فزون ارزشی، در رویدادها و تحولات رفتاری جامعه صورت می پذیرد که بهای بالای اقتصادی آن تا سالها نادیده و نهان باقی می ماند و پس از سالها بازدهی اقتصادی ناشی از آن، نقش خود را در GNP ظاهر می سازد، خصوصی سازی مدیریت شبکه عظیم توزیع انرژی با طبیعت اجباراً "فراگیر چنین حرکت کیفی است که باری پرهزینه از تشکیل دولت رابه طرف کارائی مشارکتی عامه سوق می دهد و نگرانی برای گسترش نامحدود آینده خدماتی آن با هزینه فزاینده دولتی بابه صحنه کشاندن پتانسیل های بالقوه جامعه، تبدیل به امید می گردد.

مدیریت فرآیند آینده صنعتی، فردا بجای دیروز:

همانگونه که تمامی دنیا در وضعیت ارتباطات جمعی خاص باهم حرکت می کنند و تقریباً تمامی کشورهای دنیا از دیدگاه اقتصاد بانزدیکی که سیستم های ارتباط جمعی فراهم می کند و خواهد کرد تبدیل به یک "دهکده جهانی" می شود، تمامی مدیریت ها، خاصه مدیریت های صنعتی نمی توانند ایزوله از هم در کناره های چنین جهان بهم متصل و جهان از هم آگاه، خود رابه ناآگاهی زنده و خود محور و خود جوش در صحنه باقی بماند. پس آنچه دنیای مدیریت را در اصول کار در کلیه صنایع متحول

می‌سازد محلی نیست بلکه جهانی است و آنچه به آن بازار کالا، بازار تولید و بازار کار تلقی می‌شود بازهم به همین زعم جهانی است و محلی نیست.

دنیای کار و تجارت پس از سقوط سال ۱۹۲۹ همواره در تلاطم و فرازونشیب بوده است ولی هرگز دامنه آن به گستردگی و ژرفی تغییرات رخ داده در چند سال اخیر و یا سال‌هایی که بلافاصله در پیش رو داریم نبوده است.

تورم هوزهم خطر عمده و مهمی است و تازمانی که دولت‌ها به روند انباشت کسربودجه ادامه دهند هم چنان باقی خواهد بود و ولی مدیریت‌های دهه ۹۰ در سراسر دنیا بیش از موضوعات یاد شده نگران سختگیری‌های موجود در راه دریافت اعتبارات مالی و امکان خرد شدن زیر چرخ تعهدات مالی و سقوط ارزش پول می‌باشند.

اقتصاد سال ۱۹۹۵ هیچ شباهتی با سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ که فی‌المثل امکان وام‌های کلان میلیارد دلاری به ژنرال‌های حاکم بر برزیل کاملاً در عالم واقع وجود داشت بسیار متفاوت است و اجباراً در تمام دنیا و در تمامی صفوف صنعت و سرمایه باید با ورود داشت که اداره سازمان‌های فردا را بجای سازمان‌های دیروز باید برای مدیریت‌های اجرایی فراهم آورد.

فردای مدیران، انگیزش آنان به عمل و اقدام، شناخت فرصت‌های تازه، تشخیص حوزه‌های در حال تغییر در امور بهره‌برداری، خط‌مشی‌ها، بازار و استخوان‌بندی سازمان و لزوم ایجاد تغییرات و یا جلوگیری از ادامه پاره‌ای اقدامات گردند تا در دنیای پرتلاطم، خطرناک و سریع‌التغییر حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژی عمل‌کنند و به نتیجه برسند.

خصوصی‌سازی، خطر ایمنی:

با توجه به وضعیت آینده جوامع که اجباراً در جهان طیف‌های مختلف صنعت همه از بعد اقتصاد بهم وصل می‌گردند و نهایتاً تحت مدیریت اقتصادی جامعه باید هم‌پا شوند، پس از آشفتگی ناشی از ویرانی‌سازنده یا (creative destruction) احتمالاً خصوصی‌سازی سریع و گسترده با موج تازه نوسازی، پژوهش و آزمایش‌های متهورانه زیست‌محیطی، انقلاب اطلاعات و بین‌المللی شدن اقتصاد، تجارت گسترده گذشته که در راه کسب فرهنگ ایمنی عمدتاً توسط دولت انجام می‌گردید بسود فرهنگ جدید خطرپذیری متحول خواهد شد. این تحول برای دولت هیچ نگران‌کننده نباید تلقی گردد زیرا خطر و ایمنی در تضاد با هم نیستند بلکه موازی هم حرکت می‌کنند.

مطمئنا" شکل تازه‌ای از ایمنی برای همراهی کردن و تعدیل خطر تغییرات جدید نیز بوجود

می‌آید این گونه ایمنی‌های تازه چگونه می‌توانند باشند؟

یک پاسخ، پدیده ناشی از دگرگونی آشکار در وضعیت اقتصادی امروزی است که از بارزترین پیشرفت‌های اواخر قرن بیستم است، این پدیده هم طراز شدن " شغل " با " حق مالکیت " است، برای روشن شدن موضوع مقاله از شرکت هائی که سالها رشد و نمود فرهنگ سرمایه‌گذاری خصوصی داشته‌اند انتخاب می‌کنیم، فرض کنید شخصی در سمت مدیر مهندسی در جنرال الکتریک با داشتن بیش از ۲۰ سال سابقه خدمت همواره اطمینان داشت که شرکت در آینده نیز مثل گذشته توربین بخار خواهد ساخت و هم چنان ۴۵ درصد سهم بازار را در اختیار خواهد داشت، بنابراین او برای ماندن و حفظ موقعیتش نیازمند تلاش ویژه‌ای نبود چون پستش همواره موجود و اضافه حقوق سالیانه‌اش برقرار بود. اکنون چنین شخصیتی می‌داند که در هر زمان ممکن است جنرال الکتریک ساخت توربین را کنار بگذارد و بیا یک جوان ناشناخته در تشکیلات ممکنست یک شبه قد علم کرده و با ارائه یک طرح جدید همچنان سهم ۴۵ درصدی بازار را با محصول جدیدی برای شرکت تضمین نماید.

این پیش آمد موجب از کوره در رفتن کارمند قدیمی ذینفع شده و تصورش از ایمنی شغلی نابود می‌گردد، او عادت کرده است که کار خود را به عنوان یک حق و حفظ سمت سازمانیش رایک قانون طبیعت بداند، بازنگری در ماهیت شغل و عنوان کردن آن به صورت حق مالکیت عمده‌تا " عکس العمل در برابر امواج عظیم تحولات در صنعت و تکنولوژی امروز است .

امروز در جامعه صنعتی بخش خصوصی کشور تحصیلات کارساز، گونه‌ای از عوامل ایمنی شغلی است . دیگر ایمنی با سابقه کار نیست بلکه تأمین یا اخلاقی است و آینده تأمین راه فراخلاقیت خواهد داد.

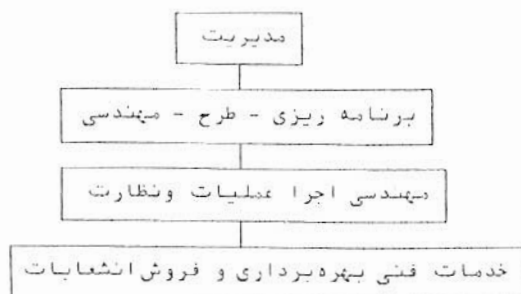
باید مؤسسات آموزشی نیز این حقیقت را بپذیرند که در جامعه دانش گرا که اکثریت مردم از راه استخدام گذران زندگی می‌کنند، باید دانش آموختگان در سازمانی که کار می‌کنند وجودی مؤثر باشند. فرهنگ مدون اقتصاد دنیا هم جامعه دانش گرا را جامعه‌ای با سازمان‌های بزرگ دولتی و خصوصی می‌داند که در محیطی بایک جریان گسترده از اطلاعات و داده‌ها بکار مشغولند و نقش دانشگاه‌های غرب را این می‌داند که حتی در دوره‌های فوق لیسانس و دکتری مدیریت در زمینه تجهیز دانشجو به مهارت‌های ابتدائی که بتوانند آنها را به اعضای مؤثر در سازمان تبدیل کند، کوششی به عمل نمی‌آورند.

خلاصه آینده‌ای ما و همه کشورهای جهان را در بر خواهد گرفت که همه کشورها با اقتصاد فراملیتی (The Transnational Economy) خود رقیب یکدیگر باشند. آن زمان که زیاد دور نیست، توان دولت برای انجام عملیات هر روز روبه گسترش ناقص بوده و تنه‌املت‌ها توان این اداره را خواهند داشت، اگر تعلیمش را دیده و دوره‌اش را گذرانده باشند که خصوصی سازی واقعی، این دوره آموزش در صحنه و سازنده بشمار می‌رود.

طرحی برای اجرای کامل خصوصی سازی در توزیع:

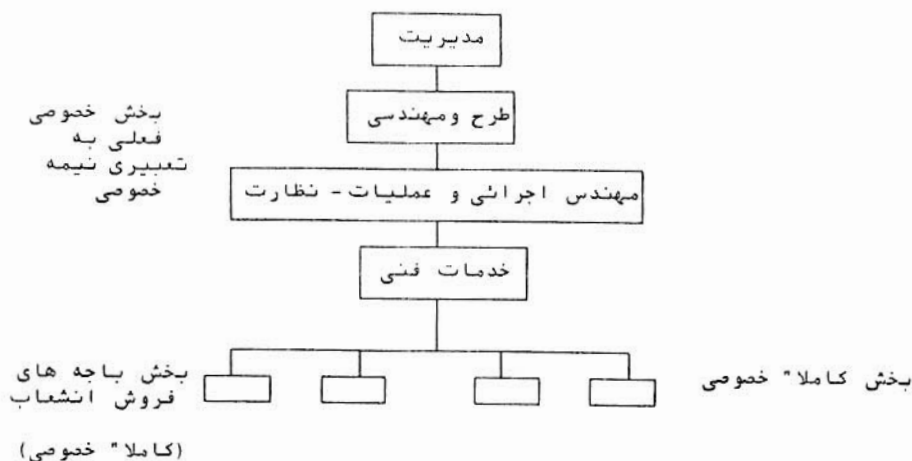
آنچه مسلم است خصوصی سازی هدف نیست بلکه وسیله‌ای است برای مقایسه با مشکلات اقتصادی و کشانیدن توان همه مردم و همه طبقات به صحنه عمل سازندگی اقتصاد برای آمادگی در برابر دنیای پراز شگفتی‌ها که مختصراً به وصف آمده است.

آنچه تابحال برای شرکت‌های توزیع حادث شده است سنا یوری اجرائی دولت بوده است یعنی دولت اسم بخشی را شرکت توزیع گذاشته و می‌خواهد به چشم بخش خصوصی به آن نگاه کند، لیکن این شرکت هرگز خود خصوصی نبوده و از میانه حرکت‌های خود جوش بخش خصوصی به رشد در نیامده است. پیشنهاد این است که اگر هرم زیر را در نظر بگیریم:



بصورت مجتمع به چهار بخش سیستماتیک تقسیم شده‌اند که از پائین به بالا اهمیت فنی و تصمیم‌گیری مدیریتی متعالی می‌گردد، تابحال عمل خصوصی سازی از بالا به پائین دیکته شده، حالا

مابینیم خصوصی سازی راز پائین به بالا وارد بازار کار و رقابت نمائیم. یعنی ابتدا فروش انشعابات را به مردم یا بخش های خصوصی کوچک مردمی واگذار کنیم که هرم بدین صورت درمی آید.



اقدام این باجه ها در ابتدای امر مثل دفاتر اسناد رسمی است، مشتری هرگز به جایی به نام اداره برق مراجعه نمی کند، بلکه این باجه ها توسط افرادی که با شرکت برق پیمان دارند پرونده تکمیل و وجه دریافت می شود، در صد حق عامل فروش نیز دریافت شده و به بخش فنی ارسال و تحویل می گردد. در مرحله بعد خدمات فنی آماده و واگذاری به بخش خصوصی می شود و شرکت هائی که قبلا با آشنائی زمان برای سیستم خود را آماده کرده اند در این مرحله از مناقصه شرکت می نمایند و نهایتا آنها که برترند موفق می شوند یعنی حتی در روند تحویل و تحول از شکل نیمه دولتی و نیمه خصوصی فعلی به وضعیت کاملا " خصوصی یا مرحله به مرحله رقابت در کار است.

تابیان اولیه یا اساس متشکله یک سازمان با رقابت سر بلند نکرده باشد، آن سازمان عادت به حیات رقابتی ندارد.

نتیجه:

سیستم مدیریت توزیع اجباراً " در وضعیت جاری سازندگی کشور تا دورنمای قابل ملاحظه‌ای از حیث جمع فعالیت صعودی است و در تنش‌ها و خلاقیت‌های لازمه در پی‌موردن این مسیر صعودی مشارکت همه مردم بشکل یک خصوصی‌سازی واقعی و اعطای حق حیات کاری به خلاقیت و نه به سابقه کار تنها پاسخ به آینده پویای این سیستم است .

طرح پیشنهادی به دلیل بکار کشیدن پتانسیل‌های بازار آزاد رقابتی بخش خصوصی و انجام طبیعی و پله‌ای این مهم، تضمین‌کننده خواست‌های تأمین بهتر انرژی و تأمین درآمد و ارتباط صحیح تر و وسیع تر سیستم با جامعه خواهد بود.

تقدیر و تشکر:

از برگزار کنندگان کنفرانس توزیع که بازحمات فراوان فرصت فکر و تتبع و اظهار مطالب جمع آوری شده رابه کارشناسان سیستم داده‌اند تشکر و قدردانی می‌گردد، خداوند به زحمات بی‌شائبه آنان انشا... اجر عنایت فرماید.

منابع مؤخذ:

- ۱- مدیریت آینده - پیترو دراکر - ترجمه دکتر رضائی نژاد
- ۲- مدیریت ژاپنی - ن. دردوای
- ۳- جامعه پس از سرمایه‌داری - پیترو دراکر - ترجمه مهندس طلوع
- ۴- نفت پاداش قدرت، آدرین هامیلتون ترجمه مهندس محمود طلوع
- ۵- در جستجوی برتری، خلاصه کتابی بنام In Search of Excellence تألیف Robert Waterman , Tom peter ترجمه ناتمام نگارنده مقاله .
- 6- The New Productivity Challenge, P. Drucker , 1992
- 7- A history of sears, Chicago Press, 1980 .